فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۶۱-۲۳۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۰۷۰۴۰۹

آینده پژوهی بحران سیاسی- امنیتی سوریه بر پایه سناریو نویسی

جواد علی‌پور [۱]
استادیار علوم سیاسی مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)
سجاد قیطاسی [۲]
کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۰۳

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

مطالعه و شناخت گذشته، حال و آینده مبنا و اساس تصمیم‌گیری در سیاست بین‌الملل و اتخاذ استراتژی‌های مناسب است. شناخت آینده، در چارچوب آینده‌پژوهی و بر اساس روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد. هدف این مقاله بررسی بازیگران درگیر در بحران سوریه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور تبیین و ترسیم سناریوهای مختلف برای آینده این بحران است. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، پژوهش‌های علمی و گزارش‌ها مستند در چارچوب آینده‌پژوهی و با روش سناریونویسی تلاش می‌کند تا آینده‌های مختلف را برای بحران سوریه ترسیم نماید. در پاسخ به این سؤال که با توجه به شرایط گذشته و حال و بازیگران دخیل متعدد در این بحران، چه آینده‌ای را می‌توان برای بحران سیاسی- امنیتی سوریه پیش‌بینی کرد، مقاله حاضر این فرضیه را مطرح می‌کند که بر پایه آینده‌پژوهی، سه دسته سناریو شامل سناریوهای مطلوب، محتمل و ممکن را می‌توان برای آینده سوریه ترسیم کرد. بنابراین، در قالب این سه دسته، پنج سناریو، یعنی نابودی داعش و دیگر گروه‌های مخالف حکومت بشار اسد، تداوم جنگ داخلی، تجزیه سوریه، سقوط حکومت بشار اسد و شروع یک جنگ منطقه‌ای پیش‌بینی می‌شود. مطلوب‌ترین سناریو برای آمریکا و متحدان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن، سقوط حکومت بشار اسد است که برای رسیدن به این مهم در مقابل حامیان اصلی بشار اسد (ایران و روسیه) از تمام اهرم‌ها بهره می‌برند.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، سوریه، جنگ داخلی، سناریونویسی، داعش

1. javadalipur@gmail.com
2. sajadgheytasi6713@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

مقدمه

سوریه در معادلات خاورمیانه نقش بسیار مهمی دارد. این حرف هنری کسینجر[1] که «اعراب نمی‌توانند بدون مصر بجنگند و بدون سوریه صلح کنند» (CNN, 2011) تأکیدی بر نقش، اهمیت و جایگاه سوریه است که در کناره شرقی دریای استراتژیک مدیترانه و همسایگی اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق واقع‌شده است (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). تحولات پیچیده و چندلایه در سوریه و منازعه بین بازیگران داخلی، منطقه‌ای و جهانی، وضعیت بغرنجی را به وجود آورده است. وزن‌کشی هر یک از این بازیگران برای تعیین جایگاهی در آینده این کشور و خاورمیانه با توجه به موازنه بین نیروهای درگیر داخلی و حامیان خارجی آن‌ها، موجب جنگ طولانی و فرسایشی، گسترش گروهای تروریستی مانند داعش و القاعده و ظهور گروه‌های مختلف شبه‌نظامی کوچک و بزرگ‌شده است.

با توجه به اینکه بحران سوریه، یک بحران سیاسی و امنیتی چندلایه، پیچیده و بازیگران مختلف با اهداف متضاد و متعارض است، لذا این پژوهش برای تبیین دقیق موضوع، بازیگران دخیل را به سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌کند. هر بازیگر داخلی و حامی خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی) آن دارای اهدافی هستند که حفظ و یا سقوط دولت بشار اسد هدف محوری و مبنای راهبردی آن‌هاست. پیچیدگی روابط بازیگران در این سه سطح تحلیل، حساسیت و دشواری تصمیم‌گیری در وضعیت فعلی سوریه را نشان می‌دهد. به‌عنوان‌مثال دو کشور متحد ترکیه و آمریکا، سیاست‌های متناقضی را در سوریه دنبال می‌کنند؛ آمریکا از یک‌سو به تجهیز و حمایت از نیروهای کرد سوریه می‌پردازد و از سوی دیگر ترکیه آن‌ها را تهدیدی امنیتی محسوب کرده و با حملات نظامی آن‌ها را تضعیف می‌نماید. همچنین آمریکا و ایران به‌رغم دشمنی سه دهه‌ای در یک جبهه در سوریه و حتی عراق در حال مبارزه با داعش هستند. ترکیه و ایران نیز اگرچه سیاست‌های متضادی را در سوریه دنبال می‌کنند، اما بر حفظ تمامیت ارضی این کشور اجماع نظر دارند. اما عربستان با هر تلاشی حتی حمایت از گروه‌های تندرو بدون توجه به آینده، فقط خواهان سقوط اسد و ضربه زدن بر ایران است. اتحاد موقت ایران و روسیه، برخوردهای نظامی مقطعی روسیه و ترکیه (به دنبال سقوط هواپیمای روسی توسط ترکیه) و گرم شدن روابط آن‌ها بعد از کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶

1. Henry Kissinger

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

در ترکیه، همه نشان از تحولات پیچیده و حساس منطقه و جنگ داخلی سوریه دارد.

در باب تحولات سوریه، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که برخی از این پژوهش‌ها به علل شکل‌گیری بحران سوریه پرداخته‌اند؛ به‌عنوان‌مثال علی باقری دولت‌آبادی، جمشید خلقی و عبدالرضا فتحی مظفری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحولات سیاسی سوریه؛ مبانی، روند و پیچیدگی‌ها» و امیر نیاکویی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی بحران‌های عراق و سوریه در پرتو نظریه‌های امنیتی»، فرقه‌گرایی و ساختار تک‌حزبی، بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد و نارضایتی گسترده و به عبارتی هویت ملی ضعیف را عامل بحران می‌دانند. برخی دیگر از پژوهش‌ها نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را مطالعه کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه سید علی نجات (۱۳۹٦) در کتاب «بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای»، نقش بازیگران منطقه‌ای چون ایران، عربستان، قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی واکبر اشرفی و امیر سعید بابا زاده جودی (۱۳۹٤) در پژوهشی با عنوان «سیاست خارجی روسیه و امریکا در بحران سوریه»، به‌صورت تطبیقی سیاست خارجی دو کشور آمریکا و روسیه در قبال بحران سوریه را بررسی کرده‌اند و روح‌الله قاسمیان (۱۳۹۲) در کتاب «کنکاشی در تحولات سوریه؛ ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها»، بحران سوریه را تصنعی و محصول مدیریت بازیگران خارجی و فتنه آن‌ها علیه دولت سوریه می‌داند. هرچند برخی پژوهش‌ها همانند علیرضا سمیعی اصفهانی و محسن شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹٤)، «آینده گروهک‌های سلفی تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش دولت‌های سوریه و عراق» و محسن رستمی، عبدالرضا فرجی راد و رحیم سرور (۱۳۹۵) با عنوان «سناریوهای محتمل در آینده‌پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه عربی (در بازه زمانی ۱٤۰٤)» درباره چشم‌انداز آینده بحران سوریه انجام‌شده است، اما پژوهشی مستقل درباره آینده‌پژوهی بحران سوریه بر اساس سناریونویسی و طراحی سناریوهای سه‌گانه مطلوب، محتمل و ممکن صورت نگرفته است. بنابراین، این مقاله در چهارچوب آینده‌پژوهی و به روش سناریونویسی به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه آینده یا آینده‌هایی می‌توان برای بحران سیاسی- امنیتی سوریه ترسیم کرد؟ یافته‌ها حاکی از آن است که آینده تحولات این کشور در قالب سناریوهای مطلوبی چون حفظ و یا سقوط دولت اسد و سناریوهای محتملی چون تجزیه سوریه و یا تداوم جنگ داخلی طولانی‌مدت و سناریوی ممکن آغاز جنگی منطقه‌ای میان مخالفان و مدافعان اسد قابل پیش‌بینی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

آینده‌پژوهی و سناریونویسی

در سیر تحول و تطور دانش آینده‌پژوهی سه دوره قابل‌تمایز است؛ در دوره نخست که تا دهه ۱۹۸۰ مرسوم بود، از رویکرد پیش‌بینی[1] بر اساس روش‌های مهندسی و کمی استفاده می‌شد. در دوره دوم یعنی از دهه ۱۹۸۰ به بعد، رویکرد آینده‌نگاری[2] مبنی بر روش‌های کیفی و غیر مهندسی مدنظر بود. اما در دوره سوم یعنی سال‌های اخیر به رویکرد تحلیل «آینده‌های متعارض»[3] و ارزیابی نقش کنشگران بر اساس متدهای نرم (روش‌های کیفی و تفسیری) در کنار روش‌های کمی و مهندسی تأکید می‌شود. روش‌های آینده‌پژوهی بر اساس اهداف به دودسته هنجاری[4] و اکتشافی[5] تقسیم می‌شوند. مبنای روش‌های هنجاری، ارزش‌ها و هنجارها هستند و از آینده‌های مطلوب برای تصمیم‌گیری در زمان حال سؤال می‌کنند، درحالی‌که روش‌های اکتشافی به دنبال این هستند که بر مبنای گذشته و حال چه چیزی امکان وقوع دارد. همچنین روش‌های آینده‌پژوهی بر مبنای تکنیک‌های به‌کاررفته به دو گروه کمی و کیفی تقسیم می‌شوند، اما اساساً از روش‌های ترکیبی استفاده می‌شود که همه روش‌ها را دربرمی گیرد (مردوخی، ۱۳۹۱: ٦-٣٤)، مثل سناریونویسی که برای این پژوهش انتخاب‌شده است و البته هر دودسته می‌تواند به‌پیش بینی‌های اکتشافی یا تجویزی منجر شود (Gordon, 1992). لذا هدف آینده‌پژوهی غیب‌گویی نیست، بلکه شناخت آینده با تحلیل فرایندها و اعمال انسانی و ترسیم مدل‌ها و روش‌های نظام‌مند، قاعده‌مند و هوشمند است.

مایکل بورتر[6] سناریو را «اجماع داخلی در مورد آنچه آینده ممکن است پیش رو بگذارد» توصیف می‌کند. پال شومیکر[7] سناریو را روشی عملی برای تجسم آینده‌های ممکن تعریف می‌کند که در آن تصمیم‌های سازمان می‌تواند اجرا شود (Lindgren and Bandhold, 2003: 21). رابرت نیلسون[8] و کریستوفر واگنر[9] سناریو را ابزاری برای برانگیختن تفکر راهبردی

1. Forecasting
2. Foresight
3. Contested Futures
4. Normative
5. Exploratory
6. Michael Porter
7. Paul Shoemaker
8. Robert Neilson
9. Christopher Wagner

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

به‌وسیله حذف موانع تفکر خلاق می‌داند (Neilson and Wagner, 2000). درواقع سناریو عبارت است از «داستان یا شرح رویدادهای آینده‌ای که می‌تواند اتفاق بیفتد» و همچنین «سناریوها به افراد امکان تجسم و اکتشاف آینده‌های ممکن را می‌دهند» (بل، ۱۳۹۰: ٤١). «یک سناریو، تنها پیش‌بینی یک آینده خاص نیست»، بلکه توصیف همه احتمالات از آینده ممکن و محتمل است. درواقع، سناریو ابزاری برای مطالعه آینده با تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است» (گروه آینده‌اندیشی بنیاد توسعه فردا، ١٣٨٤: ٨٣) و انتخاب محتمل‌ترین تصویر ممکن نیست، بلکه ترسیم همه تصاویر ممکن از آینده است. سناریو پیش‌بینی آینده نیست، زیرا در طراحی سناریوها، تمامی آینده‌های محتمل به تصویر کشیده می‌شوند که ممکن است برخی از آن‌ها هرگز محقق نشوند (نپوری زاده، ١٣٨٨: ١٤٣).

علاوه بر این، سناریونویسی بر اساس شواهد، داده‌ها و اطلاعات وقایع و روندهای گذشته، حال و آینده را با تأکید بر عاملان و کنشگران و اولویت‌ها، استراتژی‌ها و امکانات آن‌ها بازسازی و بازنمایی می‌کند و باهدف کشف موضوعات فوری و اضطراری، مشخص کردن بازیگران اصلی و راهبردهای آن‌ها و توصیف روند تکاملی و محتمل‌ترین مسیرهای تکاملی (خاشعی، ۱۳۹۰: ۱۲۵) برای تعیین اولویت‌ها جهت تدوین استراتژی‌ها باقابلیت انعطاف و انطباق بیشتر (تیشه یار، ۱۳۹۱: ۸۷) موضوعات جدید شناسایی می‌شوند. بنابراین، سناریوهای خوب با ترسیم تصویری معقول از آینده و انسجام درونی، سیر منطقی میان تصمیم‌ها و رویدادهای امروز و آینده را ارائه می‌کنند و درعین‌حال واقعی و هیجان‌انگیز هستند، یعنی تصاویر ارائه‌شده چنان جذاب و واقعی هستند که تصمیم‌گیری‌های راهبردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (فخرایی و کیقبادی، ۱۳۹۳: ۱۸). از سوی دیگر، ارزش پیش‌بینی در آینده‌پژوهی، درگرو ارزیابی و معرفی نیروها و عواملی است که رویدادهای آنی و وضعیت پدیده در آینده را شکل می‌دهند. اگر نیروها و عوامل درست تشخیص داده و ارزیابی شوند، ارزش پیش‌بینی معتبرتر خواهد بود (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۲۱۷). بنابراین، آینده‌پژوهی دقیق در حوزه بین‌الملل مبتنی بر این است که بازیگران تأثیرگذار، اهداف و منافع آن‌ها به‌درستی انتخاب شوند. در این فاز برهم‌کنش بین بازیگران کلیدی تحلیل می‌شود و از این طریق تعدادی سناریو توسعه داده می‌شود. شناسایی بازه تغییرات ممکن برای هر یک از بازیگران،

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

برقراری فرضیه‌ها روی بازیگران اصلی و عوامل محیطی مؤثر برای ترسیم سناریوهای دقیق ضروری هستند.

در آینده‌پژوهشی چهار نوع آینده وجود دارد (شکل شماره ۱): آینده ممکن[1]؛ آینده‌ای که در مخیله انسان بگنجد و عقل امکان وقوع آن را تصدیق کند. آینده باورپذیر[2]؛ آینده‌ای که امکان وقوع بیشتری دارد و باورپذیر و در دسترس است. آینده محتمل[3]؛ آینده‌ای که در افق زمانی موردنظر احتمال وقوع دارد و مبتنی بر استمرار روندهای کنونی در آینده است. آینده مطلوب یا مرجح[4]؛ آینده‌ای که وقوع و به واقعیت پیوستن آن را آرزو می‌کنیم که گاهی همان چشم‌انداز است (خاشعی، ۱۳۹۰: ۷-۲۶). درنتیجه، در سناریونویسی می‌توان سه دسته سناریو یعنی سناریوهای مطلوب، محتمل و ممکن را شناسایی کرد (زالی، ۱۳۹۰: ٤١). سناریوی مطلوب، آینده دلخواه و خوشایند یک بازیگر بر اساس قضاوت‌های ارزشی است. ازاین‌رو می‌توان گفت ذهنی است. از سوی دیگر به‌واسطه آنکه افراد و گروه‌های مختلف دارای قضاوت‌های ارزشی متنوعی هستند، آینده مطلوب برای آن‌ها متفاوت است، یعنی ممکن است آینده‌ای که برای فرد و یا گروهی مطلوب است، برای دیگران نامطلوب باشد. دومین آینده‌ای که می‌توان ترسیم کرد، سناریوی محتمل است که احتمالاً اتفاق می‌افتد و می‌توان وقوع احتمالات مختلف را برای آن‌ها در نظر گرفت. ادامه و یا تغییر وضعیت گذشته و حال، آینده محتمل در نظر گرفته می‌شود. درنهایت، آینده ممکن وضعیتی است که می‌تواند در آینده محقق شود، هرچند که ندانیم این آینده چگونه محقق می‌شود (علیزاده، وحیدی مطلق و ناظمی، ۱۳۹۱، ٦). بنابراین با استفاده از آینده‌پژوهی و سناریونویسی می‌توان آینده‌های مختلف و سناریوهای مطلوب بازیگران دخیل را ترسیم کرد. لذا در اولین گام به کالبدشکافی بحران سوریه و شناسایی مهم‌ترین بازیگران و اهداف آن‌ها می‌پردازیم.

1. Possible Future
2. Plausible Future
3. Probable Future
4. Preferable Future

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

شکل ۱: انواع آینده از منظر آینده‌پژوهی (علیزاده، وحیدی مطلق و ناظمی، ۱۳۹۱: ۴)

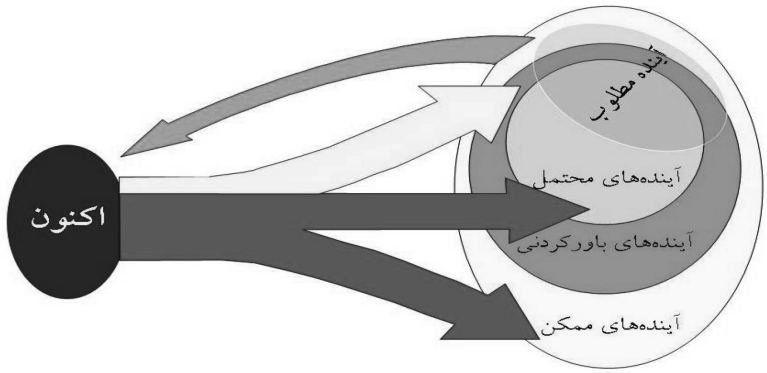

کالبدشکافی بحران سوریه

با توجه به معادلات چندوجهی و دخالت کنشگران متفاوت و ارائه تصاویری دقیق‌تر از آینده بحران سوریه، بازیگران درگیر را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تجزیه‌وتحلیل می‌کنیم.

۱- سطح داخلی

در سطح داخلی، ازیک‌طرف ارتش سوریه و نیروهای وفادار به اسد و از سوی دیگر جبهه النصره، داعش و ارتش آزاد باهم می‌جنگند، البته گروه‌های مخالف اسد منازعات خشونت‌آمیزی میان خود نیز دارند که به یک «منازعه خونین داخلی»[1] تبدیل‌شده است (Jenkins, 2015). در کنار مناقشات سیاسی، مباحث مذهبی (سنی و شیعه) و قومی (کرد و عرب) ازجمله مسائل ریشه‌دار است.[2] پیچیدگی بحران و درگیری‌های خشونت‌آمیز قومی، فرقه‌ای و مذهبی وضعیت سوریه را دچار ابهام کرده است. ازنظر اجتماعی، مهم‌ترین ضعف سوریه وجود گروه‌های متعدد مذهبی و قومی و درنتیجه عدم انسجام کافی و هویت ملی سست است. در چنین جامعه‌ای حکومت اسد نماینده واقعی تمام گروه‌های مذهبی و قومی نبوده و بیشتر نماینده فرقه علوی محسوب می‌شد (نیاکویی، ۱۳۹۲: ۱۰۹). مهم‌ترین نیروهای درگیر در بحران داخلی سوریه عبارت‌اند از (جدول شماره ۱):

1. Internecine Conflict

۲. بیش از ۷۰ درصد جمعیت ۲۱ میلیونی سوریه سنی مذهب، ۱۵ درصد شیعه به ویژه علوی ها، ۱۰ درصد مسیحی و ۳ درصد دروزی است. به لحاظ قومی، ۹۰ درصد عرب، ۱۰ درصد کرد و درصد کمی ارمنی، سرکیسی و ترکمن هستند (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۳٤).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

۱- حکومت بشار اسد و حامیان آن: حکومت اسد طرف اصلی مناقشه است. نخست‌وزیر ریاض حجاب و چند سفیر و دیپلمات از حکومت جداشده و به جریان معارض پیوستند، ولی برخلاف لیبی و یمن، به‌رغم تطمیع و تشویق خارجی، حکومت اسد تا حدودی انسجام خود را حفظ کرده است. نیروهای مسلح سوریه، علویان و نیروهای دفاع ملی سوریه مهم‌ترین حامیان حکومت اسد هستند.

الف) نیروهای مسلح سوریه: بانام رسمی«نیروهای مسلح عربی سوریه» از چهار واحد زمینی، هوایی، دریایی و دفاع هوایی تشکیل‌شده است که مطابق قانون اساسی سوریه رئیس‌جمهور فرمانده کل قوا است. به‌رغم فعالیت‌های بی‌سابقه معارضان و حامیان آن‌ها برای خلع قدرت ارتش، فقط تعداد اندکی از افسران و درجه‌داران سطوح پایین ارتش جدا شدند (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۷۸). یکی از دلایل اصلی تداوم حکومت اسد، نقش ارتش این کشور است که برخلاف ارتش لیبی و یمن از آغاز با حمایت از رژیم اسد مانع از سقوط آن شد.

ب) علویان: علویان رده‌های بالای نیروهای امنیتی و ارتش و به‌طورکلی ٦٠ درصد بالای هرم قدرت را در اختیاردارند. با توجه به این‌که بشار اسد نیز علوی است، وفاداری و روابط محکم این گروه به دلیل پیوندهای مذهبی، قومی، ازدواج و رانت‌خواری است (غنی و لاکهارت، ۱۳۹٤: ۱۰).

ج) نیروهای دفاع ملی سوریه: با عنوان «شبیحه»[1] یا بسیج سوریه، شاخه‌ای از نیروهای مسلح سوریه است که از نیروهای داوطلب مردمی پس از تابستان ۲۰۱۲ تشکیل‌شده است (نجات، ۱۳۹٦: ۹٦). دیگر گروه‌های حامی حکومت اسد، سرویس‌های اطلاعاتی سوریه، گردان‌های بعث، سپر ساحل، مقاومت سوریه، عقاب‌های طوفان، تیپ ابوالفضل عباس، تیپ فاطمیون و تیپ زینبیون هستند.

۲- مخالفان و معارضان حکومت اسد:

الف) اخوان المسلمین: ریشهٔ اخوان المسلمین سوریه به جمعیت‌های اسلامی اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد که در اواسط دهه ۱۹۸۰ در تقابل آن‌ها با حکومت اسد در حما و سرکوب شدید اخوانی‌ها (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱٥٦-۱٥٤)، تشکیلات آن‌ها متلاشی شد. مشکل

۱. این اصطلاح به نیروهای لباس شخصی شبه نظامی وابسته به حکومت اطلاق می‌شود که در زمان حافظ اسد بنا نهاده شد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

اخوان المسلمین با نظام سوریه از زمان حافظ اسد شروع شد، زیرا اخوانی‌ها فرقه علوی را رافضی می‌دانند و بنا بر فتوای علمای خود جهاد در مقابل حکومت را جایز می‌دانند (نبوی و نجات، ۱۱۱۳۹۳: ۱٤۹). با شکل‌گیری اعتراضات در سوریه، اخوان المسلمین نیز فعال شد و بیشتر معترضان در شهرهای درعا و حما هواداران اخوان هستند. همچنین اخوانی‌ها در اجلاس‌های هماهنگی اپوزسیون سوریه در ترکیه و تعامل با گروه‌ها و افراد مختلف اپوزسیون و شبه‌نظامیان مسلح نقش فعالی داشتند.

ب) ارتش آزاد سوریه: ارتش آزاد سوریه[1] اصلی‌ترین مخالف مسلح دولت سوریه است که تحت رهبری سرهنگ ریاض الاسعد و متشکل از چند گروه، دسته و گردان در ۲۹ جولای ۲۰۱۱ توسط افسران و سربازان فراری ارتش سوریه و برای عملیات نظامی و سرنگونی بشار اسد تشکیل شد. ریاض الاسعد و حسین هرموشی بنیان‌گذار و ژنرال احمد شیخ از فرماندهان اصلی این گروه است، این گروه مشی خود را سکولار و برپایی نظام دموکراتیک بیان کرده است. در بیانیهٔ این گروه آماده است که ارتش آزاد در کنار مردم برای نابودی نظام حاکم تلاش خواهد کرد و ازآن‌پس همهٔ نیروهای امنیتی که مردم را نشانه بروند، اهداف حمله ارتش آزاد خواهند بود (نجات، ۱۳۹٦: ۷۷).

ج) جبهه النصره: جبهه فتح الشام (جبهه النصره) از تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ به‌عنوان یکی از شاخه های القاعده و تحت رهبری ابو محمد الجولانی مشغول فعالیت است. هدف این گروه سنی مذهب تشکیل حکومت اسلامی در سوریه است که به لبنان نیز نفوذ کرده است (Pinto, 2016). جبهه النصره طی مدت کوتاهی به گروه جهادی خشن و مؤثر تبدیل شد و نخستین گروه سلفی- جهادی افراطی در سوریه بود که مسئولیت حملات تروریستی را بر عهده گرفت و شدیدترین ضربه‌ها را به ارتش سوریه وارد کرد. الجولانی در ۲۸ ژانویه ۲۰۱٦ به دلیل فشارهای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، توافق آمریکا و روسیه در مورد بمباران پایگاه‌های داعش و جبهه النصره در سوریه و شناخت و درک صحیح رهبران النصره از شرایط و تحولات میدانی نبرد داخلی، جدایی این گروه را به‌طور رسمی از القاعده اعلام کرد. درنتیجه، «جبهه النصره» نام خود را به «جبهه فتح الشام» تغییر داد و رنگ پرچمش را سفید کرد (نجات، ۱۳۹٦: ۸۳-۸۲).

1. Free Syrian Army) FSA(

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

د) دولت اسلامی عراق و شام (داعش): داعش گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی دارد و هدف سازمان دهندگانش نیز بازگرداندن چیزی است که آن را «خلافت اسلامی و اجرای شریعت» می‌نامند (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۷٦: ۱۳۹٦). این گروه ستیزه جوی جهادگرای سلفی و پیرو آموزه‌های وهابی و اسلام سنی با آغاز جنگ وارد سوریه شد و در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام «دولت اسلامی عراق و شام یا سوریه»[1] را برگزید و با تصرف شمال شرقی سوریه، تحت رهبری ابوبکر البغدادی شهر رقه را به پایتختی انتخاب کرد. به گزارش سوفان گروپ[2]، «داعش به‌عنوان مظهر تکفیریسم، تا ژوئن ۲۰۱٤ با جذب نیرو از بیش از ۸۱ کشور جهان، بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین شبکه تروریستی تاریخ بشریت را ایجاد نمود» (کسرایی و داوری مقدم، ۱۳۹٤: ۲۰۷). عقبه این گروه در عراق فعال است و علاوه بر ارتش سوریه با جبهه النصره و کردها درگیر است که جنبه بین‌المللی آن زمینه‌ساز حضور قدرت‌های بین‌المللی در سوریه به بهانه مبارزه با این گروه شده است. بنا به استدلال رابرت اف. کندی[3]، رهبران سیاسی و طراحان راهبردی داعش تلاش می‌کنند تا با تحریک آمریکا نسبت به مداخله نظامی در سوریه، جهان اسلام را علیه اش متحد سازند (Kennedy, 2016).

و) جیش الفتح: از آغاز بحران سوریه، گروه‌های متعددی علیه حکومت اسد با حمایت عربستان، قطر و ترکیه شکل گرفته است که در مواردی بسیاری با یکدیگر درگیر شده‌اند. از این رو حامیان آنها برای هماهنگی و تجمیع توان آنها در مقابل ارتش، آنها را در زیر یک چتر گرد آوردند. لذا «جیش الفتح» در ۲٤ مارس ۲۰۱۵ با اتحاد هفت گروه اسلام‌گرای افراطی یعنی جبهه النصره، احرار الشام، جند الاقصی، جیش السنه، فلیق الشام، لواء الحق و اجناد الشام تشکیل شد (نجات، ۱۳۹٦: ۸۷).

هـ) کردها: کردهایی سوریه برای نیل به آرمان‌های خود از هر بحرانی بهره می‌بردند، اما هیچ کدام به اندازهٔ خیزش‌های عربی سال ۲۰۱۱ برای کردها امید بخش نبود، زیرا دگردیسی بنیادین در وضعیت کردهای این کشور فراهم آورد (طالبی ارانی و زرین نرگس، ۱۳۹۵: ۱۳۹). کردهای نسبت به معارضان و رخدادهای اخیر سوریه مواضع مستقلی داشته اند و در پی دستیابی به مطالبات سنتی خود یعنی ایجاد منطقه خودگردان طبق الگوی کردستان عراق

1. Islamic State of Iraq and Levant (ISIL) or Islamic State of Iraq and Syria (ISIS)
2. Soufan Group
3. Robert F. Kennedy

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

(قاسمیان، ۱۳۹۲: ۱۰۰) و تحکیم قلمرو و اتحاد درونبوم‌ها[1] یا تحت محاصره بوده اند (New York University's Center for Global Affairs, 2013). اکنون «نیروهای مدافع خلق» بر بخش‌هایی از کردستان سوریه تسلط یافته و با هر نیروی دیگری برای تسلط بر مناطق کردنشین مقابله می‌کنند. کردها پس از شش سال و پاکسازی بخش عمده‌ای از شمال کشور، نبرد خود را به عمق مناطق عرب نشین و حتی شهر رقه کشانده اند. پیشروی کردها در مقابل داعش، اعتماد آمریکایی‌ها را نسبت به کردها جلب کرد و موجب تحویل سلاح‌های سبک و سنگین برای تقویت آنها شد.

جدول شماره ۱: بازیگران درگیر در بحران سوریه در سه سطح داخلی، منطقه ای و بین المللی

سطح	هدف	بازیگران
داخلی	دفاع و حمایت از حکومت اسد و حفظ آن	حکومت بشار اسد، نیروهای مسلح سوریه، نیروهای دفاع ملی سوریه و علویان
	مخالفت با حکومت اسد و خواهان تغییر آن	اخوان المسلمین، ارتش آزاد سوریه، جبهه النصره، جیش الفتح، داعش و کردها
منطقه‌ای	دفاع و حمایت از حکومت اسد و حفظ آن	ایران، عراق و حزب الله لبنان (محور مقاومت)
	مخالفت با حکومت اسد و خواهان تغییر آن	مصر، قطر، اردن، جریان چهارده مارس لبنان، عربستان، ترکیه و اسرائیل
بین‌المللی	دفاع و حمایت از حکومت بشار اسد و حفظ آن	روسیه و چین
	مخالفت با حکومت اسد و خواهان تغییر آن	آمریکا، انگلیس، فرانسه و برخی قدرت‌های اروپایی

۲- سطح منطقه‌ای

بازیگران خارجی متفاوتی با حمایت از مدعیان قدرت در سوریه بر پیچیدگی بحران امنیتی این کشور افزوده اند، تا جایی که وزن عوامل بین المللی بر سایر عوامل سنگینی می‌کند. علت درگیری قدرت‌های منطقه ای و بین المللی به دلیل موقعیت استراتژیکی سوریه است که از جایگاه مرکزی آن در حوزه‌های ژئوپولتیک آسیای صغیر و مدیترانه، پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب و اسرائیل و نقش سوریه به عنوان «حلقه وصل» اعضای محور مقاومت شامل ایران، عراق، حزب الله لبنان و حماس (فلسطین) ناشی می‌شود. مهمترین بعد بحران

1. Enclaves

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

سوریه دخالت قدرت‌های خارجی است و تداوم آن ناشی از رقابت بین دو جریان متضاد «محور مقاومت» و «محافظه کار عربی» با حمایت قدرت‌های بزرگ است (جدول شماره ۱).

سنگ بنای روابط نزدیک ایران –سوریه با حمایت سوریه از ایران در جنگ با عراق گذاشته شد. همچنین هر دو بنا بر منافع مشترک از حزب الله و حماس حمایت کردند و پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، همکاری متقابل آنها با پیشنهاد ایران مبنی بر حمایت از سوریه در مقابل تهدیدها و چالش‌ها وارد مرحله تازه‌ای شد که نمونهٔ آن طرح تشکیل سپاه قدس متشکل از نیروهای مشترک کشورهای اسلامی از جمله ایران و سوریه جهت مبارزه با اسرائیل بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹٤: ۳٦۱). در باره اهمیت روابط ایران و سوریه، رهبر انقلاب، ایران و سوریه را «عمق استراتژیک یکدیگر» نامیدند و تأکید کردند که رابطه دو کشور «از دیرینه ترین و ممتازترین روابط کشورهای در منطقه است» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۵). در مقابل جریان «محافظه کار عربی» برای بازیابی قدرت خود در رقابت با ایران به لحاظ رسانه ای، مالی و تسلیحاتی از جریان معارض در سوریه حمایت می‌کند. عربستان رهبر «جبهه محافظه کار» و ایران رهبر «محور مقاومت» اساساً متحد یا دشمن یکدیگر نیستند، بلکه به عنوان دو تولیدکننده عمده نفت و مدافعان اسلام سنی و شیعی رقبای طبیعی محسوب می‌شوند. عربستان سعودی به عنوان متحد آمریکا در منطقه، از ابتدای انقلاب اسلامی به عنوان موازنه کننده و مانعی برای نفوذ ایران ایفای نقش کرده است (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۱۸). تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۱، رقابت ایدئولوژیکی این دو کشور را با رقابت‌های ژئوپلیتیکی و استراتژیکی درآمیخت. دوگانگی رقابت ایران و عربستان به گونه‌ای است که هر جا ایران خواهان حفظ وضع موجود است (مانند سوریه)، عربستان به دنبال تغییر وضع موجود است و بالعکس در هر کشوری که ایران به دنبال تغییر وضع موجود است (مانند بحرین)، عربستان خواهان حفظ وضع موجود است. به طور کلی رویکرد عربستان نسبت به سوریه در مقابل رویکرد ایران نسبت به این بحران، رویکرد بازی با حاصل جمع جبری صفر است (حاتمی، ۱۳۹٤: ۳٤). در مقابل، ایران می‌کوشد از فروپاشی مجموعه امنیتی موجود در سوریه و عراق جلوگیری کند یا ساختار امنیتی منطقه را به نفع خود تغییر دهد و با حضور پایدار در بحران سوریه به رغم مشکلات اقتصادی داخلی، استراتژی صیانت از حکومت اسد را با کمک‌های مالی و نظامی دنبال می‌کند (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۵۱ و ۱۷۳).

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

سیاست ترکیه در سوریه پیچیده است، زیرا در چرخه ای از میانجیگری و داوری، مهیا کردن امکانات برای مخالفان و مدیریت آنها و لشکرکشی و تهدید به جنگ در نوسان بوده است. ترکیه با بازی «نئو عثمانی گری» همراه با نوستالژی احیای ابرقدرتی قرن ١٦ و ١٧ خواهان نفوذ در خاورمیانه است، لذا با توجه به روابط نزدیک «حزب عدالت و توسعه» با اخوان المسلیمن سوریه و نفوذ آنکارا بر بسیاری از گروه‌های اپوزسیون سوری، سقوط اسد نفوذ ترکیه را افزایش می‌دهد (نیاکوئی و بهمنش، ١٣٩١: ١٢٨ و ١٢٣). البته ترکیه نگران استقلال کردهای سوریه و عراق است که کردهای ترکیه را تحریک خواهد شد (Jen-kins, 2015)، در نتیجه خیز ترکیه برای تثبیت موقعیت خود به عنوان کشوری قدرتمند در خاورمیانه، باعث رقابت این کشور با ایران و هم پیمانی با جبهه کشورهای عربی در منطقه برای بهبود موقعیت خویش در آینده سوریه شده است.

بعد دیگر تحولات در سطح منطقه، اسرائیل است که به نوعی تقویت کننده پیوند این بحران با قدرت‌های بین المللی به ویژه آمریکاست که حمایت از اسرائیل رکن اصلی سیاست خاورمیانه ای کاخ سفید و حفظ امنیت آن دغدغه همیشگی آمریکاست. با توجه به نقش سوریه در محور مقاومت، اسرائیل بر این باور است که جنگ داخلی موجب تضعیف سوریه و در نتیجه تضعیف جریان مقاومت به رهبری ایران خواهد شد (نیاکوئی، ١٣٩١: ١٦٤) تا جایی که ایهود بارک، وزیر جنگ اسرائیل، در مصاحبه ای در سال ٢٠١١ در وین اعلام کرد که «سقوط بشار اسد برای خاورمیانه نعمتی است» (قاسمیان، ١٣٩٢: ١٤٧). از سوی دیگر، هراس اسرائیل از قدرت گیری گروه‌های اسلام گرای تندرو چون اخوان المسلمین موجب سیاست مبهم و سردرگم این رژیم شده است، همان طور که بنیامین نتانیاهو بیان داشت: «یک دشمن شناخته شده بهتر از یک الهه ناشناخته می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را تأمین کند» (نیاکوئی، ١٣٩١: ١٦٥). با این اوصاف، اسرائیل از یک سو به دنبال تغییر بشار اسد و تضعیف محور مقاومت و از سوی دیگر نگران قدرتمند شدن گروه‌های سلفی- تکفیری در سوریه است که به سیاست مبهم و منفعل آن در قبال سوریه منجر شده است. با این اوصاف بحران سوریه یه بازی دو سر باخت برای اسرائیل است؛ زیرا اگر بشار اسد از قدرت خارج شود، اسرائیل با گروه‌های تندرو مواجه خواهد شد و شاید حماس یا حزب الله دیگری در سوریه شکل بگیرد. اگر اسد در قدرت بماند، محور مقاومت خیلی قدرتمندتر از گذشته خواهد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

بود، زیرا نه تنها این جنگ باعث نزدیکی و آشنایی بیشتر نیروهای سوریه، حزب الله لبنان و ایران شده، بلکه موجب احاطه نیروهای مستشاری ایران در سوریه گردیده و جبهه دیگری برای رویارویی نیروهای ایرانی و اسرائیلی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر موجب پخته شدن نیروهای ایران و حزب الله در جنگ شهری می‌شود که تا به حال تجربه زیادی نداشتند.

۲- سطح بین المللی

بحران سوریه به یک منازعه نیابتی[1] منطقه‌ای و بین المللی تبدیل شده است که در یک سمت آمریکا و غرب به دنبال ساقط کردن رژیم اسد هستند و از سوی دیگر روسیه و چین حامی اسد با طرح‌ها و برنامه‌های آنها در قبال سوریه در نهادهای بین المللی مقابله می‌کنند (جدول شماره ۱). آمریکا و متحدان اروپایی آن به دنبال محدود کردن اسلام گرایی و تحدید نفوذ منطقه ای ایران، حذف یکی از حامیان حزب الله، ایجاد یک حکومت طرفدار غرب و متمایل به همزیستی مسالمت آمیز با اسرائیل است، لذا تلاش می‌کنند با سازماندهی و هدایت جریان‌های مخالف حکومت بشار اسد و افزایش فشارهای داخلی و بین المللی موجب سقوط حکومت اسد و انتقال قدرت را فراهم کنند. برای رسیدن به این هدف، آمریکا علاوه بر کمک مالی ٦ میلیون دلاری به گروه‌های تبعیدی مخالف بشار اسد، شبکه تلویزیونی ماهواره ای برادا[2] را در آوریل ۲۰۰۹ راه اندازی کرد. این شبکه از لندن پخش می‌شود و به «جنبش عدالت و توسعه»[3] نزدیک است. آمریکا رهبران این جنبش را «اسلام گراهای میانه رو لیبرال»[4] معرفی می‌کند که از اعضای اخوان المسلمین هستند (Whitlock, 2011). همچنین تقابل سیاست‌های امریکا و غرب با روسیه است که در این بحران موجب انفعال و ابهام در سیاست خارجی واشینگتن نسبت به سوریه شده است.

با توجه به اتحاد سنتی روسیه و سوریه، روس‌ها ضمن حمایت از حکومت اسد با تحرکات فراوان دیپلماتیک و نظامی مانع مداخله خارجی شده اند، زیرا سوریه تقریباً آخرین پایگاه نفوذ روسیه در خاورمیانه است و با شکل گیری یک حک.مت طرفدار غرب عملاً دست مسکو از منطقه قطع می‌شود. البته این حمایت پاسخی به حسن نیت بشار اسد است که

1. Proxy Conflict
2. Barada
3. Movement for Justice and Development
4. Liberal, Moderate Islamists

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد که سوریه به دلیل «حمایت از منافع متحد خود یعنی روسیه» خط لوله گازی قطر – ترکیه را رد کرده و از «خط لوله اسلامی»[1] حمایت می‌کند که گاز ایران را از طریق عراق، سوریه و لبنان به اروپا منتقل کند (Kennedy, 2016). در این درگیری، روسیه با همراه کردن چین به ایجاد موازنه در سوریه پرداخته و با دخالت نظامی نقش و جایگاه خود را در این کشور تثبیت نمود و محور روسیه، ایران و سوریه را در مقابل محور غربی – عربی و ترکیه مدیریت کرده و تا حدودی ترکیه را با خود همراه کرده است.

علاوه بر رویکردهای سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی در بلوک بندی بازیگران بحران سوریه، رویکرد اقتصادی جنگ داخلی و نیابتی در سوریه را نوعی «جنگ نفتی» یا «جنگ خط لوله» قلمداد می‌کند. رابرت کندی[2] در سال ۲۰۱۶ در مقاله ای با عنوان «سوریه: جنگ خط لوله دیگر» در پولتیکو[3] استدلال کرد که جنگ علیه بشار اسد نه تنها از اعتراضات مسالمت آمیز در سال ۲۰۱۱ شروع نشد، بلکه از تصمیم دولت اوباما در سال ۲۰۰۹ آغاز شد که بشار اسد با خط لوله پیشنهادی قطر مخالفت کرد که گاز قطر را از طریق عربستان، اردن، سوریه و ترکیه با هزینه ۱۰ میلیارد دلاری به اروپا منتقل می‌کرد. اتحادیه اروپا و ترکیه دو مصرف کننده عمده گاز روسیه از این طرح استقبال کردند، اما روسیه آن را تهدیدی جدی و توطئه ناتو تلقی کرد که برای تغییر وضع موجود و محروم کردن روسیه از تنها پایگاه و جاپای خود در خاورمیانه و در تنگنا قرار دادن اقتصاد روسیه با اهرم بازار انرژی اروپا طراحی شده است (Kennedy, 2016). هر چند که این دیدگاه موافقان و مخالفانی دارد (Porter, 2016)، اما بلوک بندی کنش گران و بازیگران درگیر در سوریه بر اساس ذینفعان و متضرران از خط لوله قطر صورت گرفته است. طبق گزارش سال ۲۰۰۸ رند به سفارش پنتاگون، حفظ منابع نفت و گاز خلیج فارس الویت راهبردی آمریکاست، اما رند توصیه می‌کند که از «اقدامات مخفیانه، عملیات‌های اطلاعاتی و جنگ‌های غیر متعارف» برای اجرای راهبرد «تفرقه بینداز و حکومت کن»[4] استفاده شود. در این راستا آمریکا می‌تواند از «تراژدی دیرینه منازعه شیعه و سنی» بهره مند شود و از «جهادی‌های ملی گرا»[5] برای راه اندازی یک منازعه نیابتی استفاده کند (Pernin et al, 2008).

1. Islamic Pipeline
2. Robert Kennedy
3. Politico
4. Divide and Rule
5. Nationalist Jihadists

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

توصیه رند و دیدگاه کندی علت العلل بحران سوریه را تا حدی روشن می‌سازد.

سناریوهای آتی بحران امنیتی سوریه

در سناریوهای تدوین شده برای بحران سوریه عموماً به سه یا چهار مورد اشاره شده است. مرکز مسائل جهانی دانشگاه نیویورک[1] سه سناریو «منازعه منطقه ای شده»[2]، ادامه جنگ داخلی و حل و فصل از طریق مذاکره را ترسیم کرده است (New York University's Center for Global Affairs, 2013). در دسامبر ۲۰۱۳، مؤسسه رند در گزارشی چهار سناریوی منازعه طولانی مدت، پیروزی اسد، فروپاشی رژیم اسد و حل منازعه با مذاکره را پیش بینی کرد (Liepman, Nichporuk and Killmeyar, 2014: 3) که سناریوی آخر هر دو مورد یک راهکار است که به نتیجه اشاره نمی‌کند. اما این پژوهش با توجه به واکاوی نقش بازیگران تأثیرگذار (بازیگران مدافع حکومت اسد و بازیگران مخالف اسد) و منافع آنها در بحران داخلی سوریه و همچنین شناسایی روش‌های آینده پژوهی، پنج سناریو را در قالب سناریوهای مطلوب، محتمل و ممکن ترسیم نموده که در آینده در انتظار این کشور و بازیگران درگیر در آن است.

الف) سناریوهای مطلوب یا ارجح[3]

۱- سناریوی مطلوب حامیان حکومت اسد؛ نابودی فیزیکی داعش و دیگر معارضان سوری

داعش با بهره برداری از ایدئولوژی خلافت اسلامی نقشه سرزمین‌هایی را در خاورمیانه، شمال آفریقا و بخش‌هایی از اروپا به رنگ سیاه به عنوان قلمرو «خلافت دولت اسلامی» منتشر کرد (احمدوند و احمدوند، ۱۳۹٤: ۱٦۱) که باعث نگرانی کشورهای زیادی شد. نگاه فرا سوریه ای این گروه تروریستی، مبارزه آن با دولت عراق، تهدیدهای مکرر غرب و انجام حملات تروریستی در فرانسه (ترورهای هماهنگ در پاریس و شهر نیس)، اجماعی جهانی برای مبارزه با آن به وجود آورد. از سوی دیگر آزادسازی موصل و شکست داعش در عراق و پس از آن شهر رقه به عنوان مرکز خلافت ضربه محکمی بر پیکره این گروه بود. همچنین داعش با اقدامات تروریستی در تهران، عملاً خود را به طور مستقیم وارد جنگ با ایران کرد که نخستین ضربه را یازده روز بعد از این عملیات تروریستی با حمله موشکی از داخل ایران به

1. New York University's Center for Global Affairs (CGA)
2. Regionalized Conflict
3. Preferred (Desired) Scenarios

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

دیرالزور دریافت کرد. در مجموع باید گفت که ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا، همکاری ایران، روسیه و سوریه در مبارزه با این گروه تروریستی و درگیری بین داعش و جبهه النصره باعث تضعیف این گروه‌ها شده است. «جبهه النصره» برای کاهش فشار حملات، به جبهه «فتح الشام» تغییر نام داد و از گروه تروریستی القاعده جدا شد که تضعیف و زوال آن را به سبب درگیری با ارتش سوریه، داعش، کردها و ارتش آزاد نشان می‌دهد. دیگر مخالف بشار اسد یعنی ارتش آزاد با توجه به تقویت حامیان اسد، ضعف آن در برقراری ارتباط میان فرماندهان و نیروهای میدانی درگیر و پناهنده شدن فرماندهان آن به ترکیه و غرب، به دسته‌های کوچکتری تبدیل شده و مانند گذشته یک تهدید جدی محسوب نخواهند شد.

فقدان انسجام و کارآمدی مخالفان بشار اسد، بی ثباتی داخلی در کشورهایی چون ترکیه، قطر و عربستان، محاصره قطر به رهبری عربستان و گرفتار شدن سعودی‌ها در باتلاق یمن و اختلاف آمریکا و روسیه در خصوص سوریه به بهبود وضعیت و تداوم حکومت اسد کمک خواهد نمود، چرا که بحران سوریه اکنون به عمق کشورهایی که در آن مداخله داشته اند و میلیاردها دلار و هزاران تن سلاح و تجهیزات برای حمایت از معارضان مسلح به منظور براندازی رژیم سوریه در سریع ترین زمان ممکن تزریق داشتند، رسیده است. همچنین سیاست‌های توسعه طلبانه ترکیه در سوریه با کودتای نافرجام و درگیری آن برای پاکسازی عناصر کودتا متوقف شده و باعث دوری این کشور از غرب و نزدیکی به روسیه شد که تغییر سیاست‌های این کشور را در بحران سوریه نوید می‌دهد. از سوی دیگر سقوط بشار اسد عناصر رادیکال در سوریه را توانمند می‌سازد تا در مرزهای سوریه و اسرائیل مستقر شوند که این امر نگرانی هایی را برای اسرائیل ایجاد می‌کند. اگرچه اسرائیل مخالف حکومت اسد است، اما از سوی دیگر برای این کشور مشخص نیست که جایگزین اسد چه گروهایی و با چه گرایشی خواهند بود. پس می‌توان گفت یکی از دلایل انفعال اسرائیل، عدم آلترناتیو مناسب برای رژیم فعلی است که این امر به نفع رژیم اسد تمام خواهد شد. علاوه بر این، حمایت جدی روسیه و ایران از بشار اسد، باعث افزایش توان نسبی دولت سوریه در مقابل مخالفان شده است. خاندان اسد اگرچه فضای بسته و پلیسی را به کشور تحمیل کرده بود، اما در عین حال ثبات را نیز به ارمغان آورده بود، گرچه سرکوب مخالفان برای این کشور و هم پیمانان آن هزینه‌های زیادی را در برداشته است، اما در آخر موفق به گذار از این بحران

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

خواهد شد و پس از آن بازسازی این کشور با مشارکت روسیه، چین و ایران آغاز خواهد شد.

۲- سناریوی مطلوب مخالفان حکومت اسد؛ سقوط حکومت اسد و به قدرت رسیدن میانه روها و لیبرال‌های موافق غرب مانند ارتش آزاد

با توجه به نزدیکی سوریه به ایران، یکی از سناریوهای غرب و رژیم‌های محافظه کار عرب تغییر حکومت اسد بود تا «محور مقاومت» با هدف تغییر در الگوی منطقه تضعیف شود. آمریکا در کنار کمک‌های مالی به معارضان، در «نشست ژنو ۲» در ۲۲ ژانویه ۲۰۱٤ در مقابل ایران به اصل پذیرفته شده در «نشست ژنو ۱» یعنی تشکیل دولت انتقالی اصرار می‌ورزید. راهبرد حامیان این سناریو به رهبری آمریکا این است که با استفاده از مشروعیت شورای امنیت، اتحادیه اروپا، ناتو، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس را برای کناره گیری اسد از قدرت با تمام قوا وارد میدان کند تا سبک مطلوب این کشورها یعنی آموزه‌های لیبرال دموکراسی در سوریه پیاده شود.

سناریوی مورد نظر آمریکا و غرب، روی کار آوردن نظام یا گروهی از شخصیت‌های هم پیمان آنها به بهانه دموکراسی است، زیرا مفروض آمریکا این است که رژیم اسد می‌تواند با یک حکومت فراگیر جایگزین شود (Jenkins, 2015). در این بین شورای ملی سوریه (متشکل از اخوان المسلمین، مخالفان سکولار و اقلیت‌ها در حوزه سیاسی و ارتش آزاد سوریه در حوزه نظامی) اساس هدف خود را براندازی دولت اسد و متحد کردن سایر گروه‌های اپوزسیون در جهت انقلاب مسالمت آمیز، استقلال دستگاه قضایی، آزادی مطبوعات، دموکراسی و تکثرگرایی بیان کرده اند (جانسیز و قاسمیان، ۱۳۹۲: ۱۱۸). این گروه با مبنا قرار دادن اصول فوق و انتخاب غسان هیتو (تاجر سوری تگزاس نشین) به عنوان نخست وزیر موقت حمایت آمریکا و غرب را جلب کرد. رفتن اسد آرامشی روانی برای آنها به وجود می‌آورد و به طرفین منازعه چنین القا می‌کند که تغییر واقعی رخ داده است. در این سناریو دولت کلاً بازسازی و جمهوری کثرت گرا و فراگیر تأسیس می‌شود. در بهترین حالت ظرفیت‌ها و سازماندهی محلی شورشیان حفظ می‌شود، احزاب سیاسی امکان فعالیت می‌یابند و بعثیان نیز با تجدید سازمان خود در امور مشارکت می‌کنند و در نهایت شرایط از دولت تک حزبی یکه تاز به نظام چند حزبی تحقق می‌یابد (غنی و لاکهارت، ۱۳۹٤: ۱۵). به قدرت رسیدن دونالد ترامپ و حمله موشکی به پایگاه مهم نیروی هوایی ارتش سوریه در حمص می‌تواند به عنوان پیش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

زمینه سیاست‌های فعال رئیس جمهوری جدید آمریکا در بحران سوریه قلمداد شود. در این سناریو با نابودی داعش فشار هرچه بیشتری از سوی جریانات فوق بر اسد اعمال شده و سقوط این رژیم و جایگزینی آن با نیروهای میانه رو و موافق غرب قابل ترسیم است. با توجه به نزدیکی غرب و مخالفان به اصطلاح میانه رو، فرض بر این است که داعش قبل از سقوط حکومت اسد یا همزمان بر آن نابود خواهد شد. چون حذف اسد بدون نابودی داعش به سناریوهای محتمل یعنی تجزیه سوریه یا تداوم جنگ و منازعه حتی بدون اسد منجر خواهد شد.

ب) سناریوهای محتمل[1]

۱- تجزیه سوریه به بخش‌های مختلف

تقسیم سوریه مسئله جدیدی نیست و به انحای مختلف مطرح شده است؛ اولین طرح در دوران قیومیت فرانسه مطرح و با شکست مواجه گردید. دومین بار طرح «خاورمیانه جدید»[2] و بار سوم در بحران فعلی که به شکل گیری شماری از مناطق خود مختار غیر رسمی در سوریه منجر شده است که در کنار توازن قدرت بین جریان‌های درگیر و مهار یکدیگر باعث تعمیق شکاف‌های داخلی داخلی و افزایش واگرایی می‌شود. این سناریو یکی از محتمل ترین سناریوها و در راستای منافع غرب است که با تضعیف یا نابودی گروه تروریستی داعش، سوریه به دلیل وجود فرقه‌ها و اقوام مختلف، عدم شکل گیری دولت- ملت، شکاف اجتماعی گسترده و درگیری‌های قومی- مذهبی نتواند انسجام خود را حفظ کند. درگیری بین نیروهای دولتی (علوی)، معارضان (اکثریت اهل سنت) و کردها با حمایت قدرت‌های منطقه ای و بین المللی پیچیدگی این جنگ را دو چندان کرده است. حمایت کشورهای سنی مذهب مانند ترکیه و عربستان از شبه نظامیان سنی و حمایت ایران و حزب الله لبنان به عنوان نیروهای شیعه حامی حکومت علوی اسد باعث شد که جنگ سوریه با رنگ و بوی مذهبی به نزاع شیعه- سنی تبدیل شود و القای منازعه شیعه- سنی، مهمترین عامل وحدت مخالفان اسد است که همزیستی گروهای مذهبی و «بازسازی آسان و سریع وحدت ملی» را (Jenkins, 2015) غیر ممکن می‌سازد.

1. Probable Scenarios

۲. در سال ۲۰۰۶ کاندولیزا رایس اصطلاح «خاورمیانه جدید» را به جای اصطلاح «خاورمیانه بزرگ» به کار برد که بدون بازنگری در مرزهای کنونی، تحقق صلح در خاورمیانه مشکل خواهد بود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

بحران داخلی سوریه زندگی سیاسی گروه‌های کرد را نیز متحول کرد. حزب حاکم قبل از سال ۲۰۱۱ کردها را مهاجر، بیگانه و شهروند موقت و نتیجه توطئه ای بین المللی می‌دانست که باید به مأمن اصلی خود بازگردند و طرح کمربند عربی در سوریه اجرا شود (نصری و سلیمی، ۱۳۹۳: ٤۳). با قدرتمند شدن کردها، مخالفت‌ها و محدودیت‌های منطقه ای و ساختاری بین المللی نمی‌تواند مانع بزرگی برای هویت خواهی کردها باشد (مرادی، صبوری، خاکی و جوانمردی، ۱۳۹٤: ۲٥٤). تضعیف حکومت مرکزی در بحران داخلی موجب تقویت کردها شد، در نتیجه آنها کنترل شهرهای عفرین، کوبانی، سه ری کانی و دیرک را به دست گرفته و با تشکیل اداره محلی، امور نواحی مورد تسلط خود را از طریق انجمن ویژه اداره کرده و ضمن دایر کردن ایست بازرسی، پرچم خاص خود را به اهتزاز در آوردند که نوعی تمرین و آماده سازی برای کسب خودمختاری است (نصری و سلیمی، ۱۳۹۳: ٥٤). کردها با توجه به اینکه قوی‌تر و مجهزتر از گذشته شده اند، بار دیگر به سختی تحت حاکمیت دولت عربی قرار خواهند گرفت و با الگو برداری از کردستان عراق حکومت خودمختار کردستان سوریه را پایه گذاری می‌کنند.

از طرفی دیگر، دولت اسد که نمی‌تواند تمام سوریه را حفظ کند در بخش‌های غربی سوریه می‌تواند کشوری با نیروهایی همسو و علویان تشکیل دهد و شرکای آن چون روسیه پایگاه خود در دریای مدیترانه و سواحل طرطوس را حفظ کند و ایران نیز بخشی از نفوذ منطقه ای خود در سوریه را حفظ کند که این کشور تحت رهبری اسد کریدوری باشد که از شمال تا جنوب امتداد داشته باشد. زمزمه طرح فدرالی کردن سوریه که از سوی روسیه مطرح و توسط برخی از کشورهای منطقه تأیید شد، می‌تواند آغازی بر تجزیه این کشور باشد. در سال ۲۰۱۳ پیش بینی می‌شد که سوریه به چهار بخش علویان به رهبری اسد، کردها، اسلام گراهای میانه رو و داعش تقسیم خواهد شد (Liepman, 2014: 3)، اما اکنون با توجه به مخالفت گسترده بین المللی با داعش گزینه چهارم منتفی شده است. در این سناریو کشور سوریه با توجه به شکاف گسترده و شکل گیری قالب‌های جدید در ژئوپلیتیک خود به سه منطقه شیعه نشین، سنی نشین و کردنشین تقسیم خواهد شد. اگرچه ترکیب جمعیتی در سوریه دقیق نیست، لذا حفظ مناطق تحت سلطه، خطوط جدایی و تقسیم این مناطق را ترسیم خواهد نمود. صد سال پیش سه کشور فرانسه، بریتانیا و روسیه مرزهای کنونی سوریه

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

را ترسیم کردند و حالا نیز روسیه به همراه اعضای ناتو جغرافیای سیاسی این کشور را از نو تعریف می‌کنند.

۲-تداوم جنگ داخلی با توجه به موازنه قدرت و فرسایشی شدن جنگ

بحران سوریه باعث تشدید رقابت قدرت‌های منطقه ای و بین المللی شد و بازیگران مختلف به امید حفظ و یا تغییر موقعیت خود در آینده این کشور از هیچ تلاشی فروگذار نبوده اند. در سطح منطقه ای ترکیه، عربستان و برخی دولت‌های سنی عرب برای کاهش نفوذ منطقه ای ایران به اپوزسیون کمک مالی و تسلیحاتی نموده اند، در مقابل ایران و حزب الله لبنان از اسد حمایت کردند. در سطح بین المللی نیز آمریکا و اتحادیه اروپا (بریتانیا و فرانسه) فشارهای سیاسی و نظامی جهت تضعیف دولت اسد وارد نمودند، در نقطه مقابل در شورای امنیت روسیه و چین تلاش‌های غرب برای یک ائتلاف بین المللی بر ضد حکومت اسد را عقیم کردند (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹٤: ۱۵٤). همچنین منازعه آشکار بین آمریکا و روسیه «به صورت دیالکتیکی باعث تقویت رابطه تعاملی بین ایران-روسیه و روسیه-سوریه شده است» (طاهری و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ٤۳). عربستان و ترکیه تلاش می‌کنند تغییر موازنه قدرت به نفع ایران در منطقه را در چارچوب جدیدی از موازنه قوای فراگیر از طریق ایجاد و یا تغییر موازنه با استفاده از بازیگران غیر دولتی در سوریه تلافی نمایند (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲: ۸۵). در بحران سوریه، نیروهای مدافع بشار اسد در نقطه مقابل نیروهای مخالف اسد قرار گرفته و توانسته اند رقبای خود را به طور جدی مهار کنند که با گذشت پنج سال، تغییری جدی حتی با ورود نظامی روسیه به این بحران ایجاد نشده است.

از سوی دیگر در بعد منطقه ای، عربستان و ایران مهمترین موازنه کنندگان جنگ سوریه هستند که با حمایت آمریکا و روسیه توانسته اند مانع برتری دولت اسد یا معارضان سوری بر یکدیگر شوند، در نتیجه آن به یک جنگ فرسایشی تبدیل شده است. دست به دست شدن مناطق میان دولت، معارضان و کردها نشان دهنده توازن قوا میان کنشگران داخلی و قدرت‌های منطقه ای و بین المللی است که با حمایت از مدعیان داخلی قدرت به تداوم جنگ کمک می‌کنند. حل بحران سوریه نیازمند قطع حمایت بازیگران خارجی است که با توجه به رقابت جدی آنها امری بعید به نظر می‌رسد. همچنین رژیم حاکم و معارضان از فائق آمدن بر همدیگر عاجز بوده و توان کنترل نهایی کشور را ندارند (غنی و لاکهارت، ۱۳۹٤: ۱۵). از

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

این رو، بحران سوریه به راحتی از طریق مذاکره سیاسی طرفین درگیر برای ایجاد صلح قابل حل نیست، زیرا مناطق زیادی از این کشور در دست گروه‌های افراطی مانند جبهه النصره و احرار الشام است که به بحث و مذاکره اعتقادی ندارند (کرمی‌زاد، ۱۳۹۵: ۱۲۷) بنابراین، جنگ در سوریه ادامه خواهد یافت، زیرا ماهیت فرقه ای منازعه آن را به نزاع زندگی و مرگ تبدیل کرده است و به دلیل عدم اعتماد طرفین به یکدیگر، هیچ طرح سیاسی و توافق بین المللی در سوریه قابل اجرا نیست، حتی شکست اسد یا داعش نیز موجب پایان دشمنی و خشونت نخواهد شد (Jenkins, 2015). البته تداوم جنگ به نفع اروپایی هاست، چرا که با اتمام جنگ تقریباً بیست هزار خارجی ملحق شده به گروه‌های جهادی–سلفی به وطنشان باز خواهد گشت که بیش از سه هزار نفر از اروپای غربی به سوریه رفته اند (Rasmussen, 2015). در نتیجه اروپایی‌ها ترجیح می‌دهند با تداوم جنگ در سوریه این تروریست‌ها در این کشور بمانند و حداقل بخشی از آنها در دراز مدت کشته شده و به اروپا باز نگردند. لذا باید گفت شکست پیاپی در مذاکرات صلح سوریه (چند دور مذاکرات ژنو) در کنار نتیجه نگرفتن مذاکرات آستانه چشم انداز پایان بحران در سوریه را مخدوش کرده به طوری که افقی برای توافق مشترک بازیگران درگیر در بحران سوریه متصور نیست.

ج) سناریوهای ممکن

در طرح سناریوی ممکن[1]، دخالت مستقیم قدرت‌های خارجی در سوریه و آغاز جنگی منطقه‌ای میان بازیگران منطقه‌ای (با تأکید بر رقابت ایران و عربستان با حمایت آمریکا و روسیه) قابل تبیین است. حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین یک خلاء قدرت در خاورمیانه ایجاد نمود و به رقابت ایران و عربستان منجر شد، زیرا قدرتمند شدن و در اختیار گرفتن قدرت سیاسی توسط شیعیان و به حاشیه رانده شدن سنی‌ها در عراق، رشد حزب الله در لبنان و گسترش منازعات شیعیان بحرین در پیوند با ایران، موجب نگرانی‌های امنیتی عربستان و عقب ماندن از رقیب (ایران) شد، لذا تلاش می‌کند موازنه قدرت را به نفع خود برگرداند. پس از بهار عربی رقابت آنها در یمن، بحرین، عراق و از همه مهمتر سوریه تشدید شد و به نوعی به جنگ نیابتی تبدیل شد (نیاکوئی، ۱۳۹٤: ۱۱۸). عربستان سعودی با ایجاد ائتلاف بین المللی و حمله به یمن و شیعیان این کشورکه آنها را متأثر از ایران می‌دانست،

1. Possible Scenarios

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

نشان داد که برای جلوگیری از نفوذ منطقه ای ایران از هیچ تلاشی فروگذار نیست (علی پور و قیطاسی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). لذا هر یک از جریان‌های فوق می‌خواهند الگوی ترتیبات امنیتی را بر اساس منافع خود با حمایت از بازیگران داخلی در کشورهای منطقه پیاده کنند. از این رو می‌توان گفت تحولات منطقه، بازتاب واقعیت‌های بحران ساز در مناطق ژئوپلیتیکی خاورمیانه و آسیای غربی محسوب می‌شود. منازعات فعلی در منطقه نشانه‌هایی از ارتقا سطح بحران‌های منطقه‌ای از «منازعات کم شدت» با الگوی نیابتی به «منازعات پر شدت» و الگوی «مداخله گری راهبردی» هستند (سمیعی اصفهانی و شفیعی سیف آبادی، ۱۳۹٤: ۱۲). اختلافات جدی از جمله رقابت نفتی، گسترش هلال شیعی، ام القرایی جهان اسلام و تهدید امنیتی این دو بازیگر علیه یکدیگر، روابط این دو کشور را سرد کرد (رستمی، فرجی راد و سرور، ۱۳۹۵: ۸٤) و در نهایت کشته شدن صدها ایرانی در حادثه «منا» و حمله به سفارت عربستان در تهران به بهانه اعدام شیخ نمر (روحانی شیعه عربستانی)، بهانه‌های لازم را برای قطع روابط این دو بازیگر فراهم آورد.

از سوی دیگر در سطح بین المللی، شاهد رقابت آمریکا و روسیه هستیم؛ اختلاف جدی آنها در بحران اوکراین و الحاق کریمه به خاک روسیه سبب تشدید منازعه غرب و شرق شد. تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا و گسترش ناتو به سمت مرزهای روسیه زمینه ساز واکنش روسیه در خاورمیانه شد. هم پوشانی منافع آمریکا و عربستان سبب شده که با حمایت آمریکا یک جنگ نیابتی میان عربستان و ایران آغاز شود که به تضعیف دولت اسد منجر شده است (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳: ۱۲۲). در مقابل، ایران توانست همسو با روسیه از سقوط دولت اسد جلوگیری کند. این نیروهای مداخله گر منطقه ای و بین المللی در جهت تأمین اهداف راهبردی خود، به دخالت هایی در چارچوب امنیت منطقه ای و بین المللی مبادرت می‌ورزند که با توجه به تهدیدها علیه همدیگر، فرآیند درگیری نظامی را ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، این بازیگران منطقه ای و بین المللی با ادعای خاتمه دادن به جنگ داخلی و جلوگیری از اعمال خشونت مداخله می‌کنند، در حالی که چنین فرآیندی با توجه به رقابت و تضاد منافع این بازیگران تبعات دیگری از جمله درگیر شدن قدرت‌های خارجی را در پی دارد. در حال حاضر با قطع روابط دو کشور به دلیل مسائل مورد اختلاف از جمله بحران سوریه و یمن، به یک بن بست بالقوه خطرناک رسیده است. این امر در صورت پافشاری هریک از این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

بازیگران می‌تواند ضمن به مخاطره افتادن منافع آنها و تحمیل هزینه‌های گزاف برای هر دو طرف، امنیت منطقه و چشم انداز ثبات در آن را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اخبار مربوط به اعلام آمادگی عربستان مبنی بر دخالت نظامی می‌تواند بحران سوریه را به سطح منطقه ای در قالب جنگ مستقیم این کشور با ایران تبدیل کند که به بلوک بندی جدید یعنی عربستان به همراه کشورهای عرب منطقه و حمایت احتمالی پاکستان و ترکیه در مقابل «محور مقاومت» به رهبری ایران منجر خواهد شد. در این بین پیوندهای امنیتی عربستان و اسرائیل (ایران به عنوان تهدید مشترک) نشان از عزم جدی آنها برای مهار ایران و نقش آفرینی اسرائیل در کنار کشورهای عربی در جنگ‌های آتی خاورمیانه دارد. در این سناریو می‌توان گفت قطع روابط و بی نتیجه ماندن جنگ نیابتی ایران و عربستان و دخالت هر یک از این بازیگران می‌تواند سبب ساز جنگ در سطح منطقه باشد که ایران و عربستان به عنوان بازیگران نیابتی روسیه و آمریکا در منطقه رو در روی هم قرار خواهند گرفت و همانند جنگ ایران و عراق بازیگران زیادی در حمایت از کشورهای فوق به ایفای نقش خواهند پرداخت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

جدول شماره ۲: رویکرد بازیگران دخیل در بحران سوریه نسبت به سناریوهای پنجگانه

بازیگران	نابودی داعش و دیگر گروه‌های معارض حکومت بشار اسد	سقوط حکومت اسد و به قدرت رسیدن لیبرال‌ها و میانه روهای غرب گرا	تجزیه سوریه	تداوم جنگ داخلی	دخالت قدرت‌های خارجی و آغاز جنگ منطقه‌ای
حکومت اسد و حامیان داخلی	مطلوب تر	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
مخالفان داخلی حکومت اسد	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب
کردها	مطلوب	مطلوب	مطلوب‌تر	مطلوب	مطلوب
ایران و حزب الله	مطلوب تر	نامطلوب‌تر	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
عربستان	نامطلوب	مطلوب‌تر	نامطلوب	مطلوب	نامطلوب
قطر	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب
ترکیه	نامطلوب	مطلوب	نامطلوب‌تر	مطلوب	مطلوب
اسرائیل	نامطلوب	مطلوب‌تر	مطلوب	مطلوب‌تر	مطلوب
روسیه	مطلوب‌تر	نامطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب
آمریکا و اتحادیه اروپا	نامطلوب	مطلوب‌تر	مطلوب	مطلوب	مطلوب

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

نتیجه‌گیری

شروع بحران درکشورهای مسلمان که از سال ۲۰۱۱ از کشور تونس آغاز شد به صورت دومینیو مرزهای سایر کشورها را درنوردید، سوریه آخرین کشور بود که دامنه شورش و نا آرامی به آنجا سرایت نمود. ریشه‌های بحران سوریه که با گذشت پنج سال از آغاز آن و کشته شدن صدها هزار نفر و همچنین زمینه سازی گسترش گروهای تروریستی چون داعش و جبهه النصره را باید در لایه‌های مختلفی تجزیه و تحلیل نمود. لایه اول بحران که در سطح داخلی است، ناشی از شکاف اجتماعی، اختلافات قومی-مذهبی و فرقه گرایی رژیم حاکم است که زمینه‌های جنگ داخلی این کشور را فراهم نموده است. در یک طرف منازعه رژیم حاکم و در طرف دیگر معارضان هستند که هیچ یک از این دو قادر بر چیره شدن بر دیگری نیستند. در لایه دوم و در سطح تحلیل منطقه ای گره خوردن تحولات سوریه به رقابت‌های ایدئولوژیکی- ژئوپلیتیکی ایران، عربستان و ترکیه را شاهد هستیم. رقابت جدی این بازیگران و حمایت از رژیم حاکم و معارضان سوری سبب ایجاد موازنه میان نیروهای درگیر در جنگ داخلی سوریه شده است که هیچ یک از این گروه‌ها نتوانند بر دیگری سلطه یابند. لایه سوم این بحران یعنی سطح تحلیل نظام بین الملل، حکایت از منازعه میان آمریکا و غرب از یک سو و روسیه و چین از سوی دیگر دارد. این کشمکش از نهادهای بین المللی گرفته تا حمله نظامی در داخل سوریه در راستای حمایت از نیروهای مورد نظر خود را شامل می‌شود.

در یک تقسیم بندی کلی، بازیگران هر سه سطح به دو طیف بازیگران حامی حکومت اسد و بازیگران خواهان سقوط حکومت اسد تقسیم می‌شوند. یافته‌های این پژوهش بر پایه سناریو نویسی و آینده پژوهی حاکی از آن است که رقابت این بازیگران سناریوهایی را در آینده برای این کشور رقم خواهد زد که دو سناریوی مطلوب، دو سناریوی محتمل و یک سناریوی ممکن را شامل می‌شود. اولین سناریوی مطلوب نابودی داعش و سرکوب دیگر جریانان‌های معارض در سوریه و استمرار حکومت بشار اسد که سناریوی مطلوب و مورد نظر بازیگران حامی حکومت بشار اسد است. دومین سناریوی مطلوب، سقوط دولت اسد و داعش و به قدرت رسیدن جریان‌های میانه رو و موافق غرب در سوریه مانند ارتش آزاد و نیروهای لیبرال است که سناریوی مطلوب بازیگران حامی تغییر رژیم اسد است. اولین سناریوی محتمل نابودی داعش و تجزیه سوریه به سه منطقه کردنشین، سنی نشین و مناطق شیعی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

(علوی) در این کشور است و دیگری تداوم وضعیت فعلی و ادامه جنگ داخلی در طولانی مدت به دلیل موازنه قدرت و فرسایشی شدن جنگ برای طرف‌های منازعه است. در نهایت تنها سناریوی ممکن دخالت مستقیم قدرت‌های خارجی در سوریه و آغاز جنگی منطقه ای با تأکید بر رقابت ایران و عربستان و آمریکا و روسیه است. با توجه به اینکه کارکرد اصلی آینده پژوهشی کمک به به برنامه ریزی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی است (پایا، حیدری، امامی و همکاران، ۱۳۹٤: ۱۷)، امید می‌رود که این مقاله گام کوچکی برای تصمیم گیرندگان سیاست خارجی و تحلیل گران مناسبات بین المللی باشد. با توجه به ترسیم این سناریوها و آینده‌های قابل تصور در صورت بروز هر کدام از این سناریوها، پژوهش‌های آینده می‌توانند به راهکار و راهبرد هریک از بازیگران برای رسیدن به سناریوی مطلوب خود و جلوگیری از رسیدن رقیب به سناریوی مطلوب را موشکافی کرده و راهبرد مناسب برای کشورمان جهت رسیدن به سناریوی مطلوب ایران و چگونگی کسب آمادگی بهتر و بیشتر در صورت وقوع هریک از سناریوها را فراهم کند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

منابع

- احمدوند سلمان و احمدوند، ایمان (۱۳۹٤). «بازخوانی رهیافت‌های تبیین گر تروریسم (رویکرد ترکیبی) مطالعه موردی: داعش». *مجله سیاست دفاعی*. شماره ۹۰.
- اشرفی، اکبر و بابازاده جودی، امیر سعید (۱۳۹٤). «سیاست خارجی روسیه و آمریکا نسبت به بحران سوریه». *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*. شماره ۳۲.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵). «دیدار رئیس‌جمهور سوریه و هیأت همراه با رهبر انقلاب»، قابل دسترسی در: http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1474 (تاریخ دسترسی ۱۳۹٦/۱۲/۱۲).
- باقری دولت آبادی، علی، خلقی، جمشید، فتحی مظفری، عبد الرضا (۱۳۹۲). «تحولات سیاسی سوریه؛ مبانی، روند و پیچیدگی‌ها». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. شماره ٤.
- بل، وندل (۱۳۹۰). *«مقصود ما از آینده پژوهی چیست». در ریچارد اسلاتر (ویراستار): نو اندیشی برای هزاره نوین؛ مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده پژوهی*. ترجمه عقیل ملکی فر، وحید وحیدی مطلق و سید احمد ابراهیمی. تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- بل، ونل (۱۳۹۱). *مبانی آینده پژوهی؛ تاریخچه، اهداف و دانش*، ج ۱، (ترجمه: مصطفی تقوی و محسن محقق)، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- پایا، علی حیدری، امیر هوشنگ، امامی، یحیی و همکاران (۱۳۹٤). *آشنایی با برخی تجارب آینده نگاری و آینده پژوهی در جهان*، تهران: مرکز تحقیقات سیاست کشور.
- تیشه یار، ماندانا (۱۳۹۱). *آینده پژوهی در مطالعات استراتژیک*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جانسیز، احمد و قاسمیان، روح الله (۱۳۹۲). «جریان شناسی مخالفان بومی و غیر بومی در بحران سوریه». *فصلنامه سیاست جهانی*. شماره ۳.
- حاتمی، محمد رضا (۱۳۹٤). «کار ویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ٤.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). *مبانی، اصول و روش‌های آینده پژوهی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- خاشعی، رضا (۱۳۹۰). سفر به آینده؛ آینده پژوهی، مفاهیم، مبانی و روش ها. تهران: *هنر رسانه اردیبهشت*.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹٤). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، مهدی و عمرانی، ابوذر (۱۳۹٦). «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ۲.
- رستمی، محسن، فرجی راد، عبدالرضا و سرور، رحیم (۱۳۹۵). «سناریوهای محتمل در آینده پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه عربی (در بازه زمانی ۱٤۰٤)». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. شماره ۱۷.
- زالی، نادر (۱۳۹۰). «آینده نگاری راهبردی و سیاست گذاری منطقه ای با رویکرد سناریونویسی». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. شماره ٤.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

- سمیعی اصفهانی، علیرضا و شفیعی سیف آبادی، محسن (۱۳۹٤). «آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات بخش دولت سوریه و عراق». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. شماره ١٤.
- سیمبر، رضا و قاسمیان، روح الله (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. شماره ۹.
- طالبی ارانی، روح‌الله و زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۵). «ظهور داعش و دگردیسی در رفتار کردها (سوریه و عراق)». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ۲.
- طاهری، سید مهدی و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳). «تأثیر بیداری اسلامی بر موقعیت آمریکا در خاورمیانه». *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. شماره ۳۷.
- عباسی، مجید و محمدی، وحید (۱۳۹۲). «تبیین رئالیستی منازعه بین المللی قدرت در سوریه و پیامد آن برای امنیت جمهوری اسامی ایران». *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل*. شماره ۲.
- علی پور، جواد و قیطاسی، سجاد (۱۳۹۵). «تأثیر گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی بر بیداری اسلامی یمن». *مجموعه مقالات برگزیده همایش بین المللی گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) و جهان معاصر*.
- علیزاده، عزیز، وحیدی مطلق، وحید، ناظمی، امیر (۱۳۹۱). «*سناریو نگاری یا برنامه ریزی بر پایه سناریوها*». تهران: اندیشگاه آتی نگار.
- غنی، اشرف و لاکهارت، کلر (۱۳۹٤). «*سوریه و دوران گذار: درس‌هایی از گذشته، اندیشه ای برای آینده*». لندن: مؤسسه لگاتوم با همکاری مؤسسه کارآیی دولت ها.
- فخرایی، مرضیه و کیقبادی، مرضیه (۱۳۹۳). *نگاهی به روش‌های آینده پژوهی؛ معرفی شش تکنیک مهم و پر کاربرد در آینده پژوهی*. تهران: آینده پژوه.
- قاسمیان، روح الله (۱۳۹۲). *کنکاشی در تحولات سوریه؛ ریشه ها، بازیگران و پیامدها*. تهران: مؤسسه مطالعاتی غرب آسیا و آفریقا.
- کرمی‌زاد، مسلم (۱۳۹۵). «سلفی‌گرایی جهادی- تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ۱.
- کسرایی، محمد سالار و داوری مقدم، سعیده (۱۳۹۳). «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه شناختانه». *فصلنامه روابط خارجی*. شماره ۱.
- کوهکن، علیرضا و تجری، سعید (۱۳۹۳). «بحران سوریه و سیاست منطقه ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱٤)». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. شماره ۱۰.
- گروه آینده اندیشی بنیاد توسعه فردا (۱۳۸٤). *روش‌های آینده نگاری تکنولوژی*. تهران: بنیاد توسعه فردا.
- مرادی، اسکندر، صبوری، ضیا الدین، خاکی، شیلان و جوانمردی، عبدالمطلب (۱۳۹٤). «امکان سنجی شکل گیری اقلیم کردی در شمال سوریه». *فصلنامه سیاست جهانی*. شماره ٤.
- مردوخی، بایزید (۱۳۹۱). *روش شناسی آینده نگاری*. تهران: نشر نی.
- نبوی، سید عبدالامیر، نجات، سید علی (۱۳۹۳). «جریان شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه بر اساس تحلیل

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

گفتمان». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ٤.
- نپوری زاده، بهنام (١٣٨٨). «*سناریو ابزاری برای تصمیم گیری بلند مدت. در: آینده پژوهی؛ مفاهیم و روش‌ها*، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- نجات، سیدعلی (١٣٩٦). *بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای*. تهران: ابرار معاصر.
- نصری، قدیر و سلیمی، آرمان (١٣٩٣). «کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت». *فصلنامه روابط خارجی*. شماره ٢.
- نیاکوئی، امیر (١٣٩١). *کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب*. تهران: میزان.
- ----- (١٣٩٢). «بررسی بحران‌های عراق و سوریه در پرتو نظریه‌های امنیتی». *فصلنامه سیاست جهانی*. شماره ١.
- ----- (١٣٩٤). «بررسی عوامل گسترش جریانات تکفیری در خاورمیانه (٢٠١٥-٢٠١١)». *فصلنامه سیاست جهانی*. شماره ٤.
- نیاکوئی، امیر و بهمنش، حسین (١٣٩١). «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها». *فصلنامه روابط خارجی*. شماره٤.
- نیاکوئی، امیر و ستوده، علی اصغر (١٣٩٤). «تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. شماره ١٥.
- Gordon, T. (1992). "The Methods of Futures Research". *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*. No. 552, pp. 25-35.
- Jenkins, B. (2015). "How the Current Conflicts Are Shapping the Future if Syria and Iraq". Rand Corporation.
- Kennedy, R. (27/2/2017) "Syria: Another Pipeline War". Available at: http://www.ecowatch.com/syria-another-pipeline-war-1882180532.html (Accessed 22/3/2017).
- Liepman, Andrew, Nichiporuk, Brian and Killmeyer Jason (2014). "Alternative Futures for Syria Regional Implications and Challenges for the United States". Rand Corporation.
- Lindgren, M. and Bandhold, H. (2003). Scenario Planning: the Link between Future and Strategy. New York: Palgrave MacMillan.
- Lister, Tim (2011). "Syria: The Key Piece in a Regional Rubik's Cube". CNN. Available at: http://edition.cnn.com/2011/WORLD/meast/04/25/syria.role/ (Accessed 22/3/2017).
- Neilson, R. and Wagner, C. (2000). "Strategic Scenario Planning at CA International". Quoted in: Mietzner, D. and Reger, G. (2005). "Advantages and Disadvantages of Scenario Approaches for Strategic Foresight". Int. J. Technology Intelligence and Planning. No. 2.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

- New York University's Center for Global Affairs (CGA) (2013). "Syria 2018", Based on the Syria Scenarios Workshop. Held on February 7-8.
- Pernin, C. (2008). "Unfolding the Future of the Long War: Motivations, Prospects, and Implications for the U.S. Army". Rand; Arroyo Center, Sponsored by the United States Army.
- Pinto, T. (13/4/2016). "The 9 Groups Fighting in Syria; Can You Guess How Many Are Supported by the United States?" Availableat at: http://www.globalo.com/the-9-groups-fighting-in-syria. (Accessed 28/2/2018).
- Porter, G. (27/2/2017). "The War against the Assad Regime Is Not a "Pipeline War"". Available at: http://www.truth-out.org/news/item/37685. (Accessed 22/3/2017).
- Rasmussen, N. (2015). "Countering Violent Islamist Extremism: the Urgent Threat of Foreign Fighters and Homegrown Terror". Testimony before the House Committee on Homeland Security, February 11.
- Whitlock, C. (27/2/2017). "U.S. Secretly Backed Syrian Opposition Groups, Cables Released by WikiLeaks Show". Available at: http://www.washingtonpost.com/world/us-secretly-backed-syrian-opposition-groups-cables-released-by-wikileaks-show (Accessed 22/3/2017).

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۹
به این مقاله این‌گونه استناد کنید:
علی‌پور، جواد؛ قیطاسی، سجاد (۱۳۹۶)، «آینده پژوهی بحران سیاسی- امنیتی سوریه بر پایه سناریو نویسی» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۷، ش٤، زمستان ۹۶، صص ۲۶۱-۲۳۱ .

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]